

ربا

جواز زنا با مادر در جمهوری اسلامی

امیر فیض - حقوقدان

همین دیروز جمهوری اسلامی رسماً نرخ بهره را در ۲۱ درصد سپرده بانکی اعلام کرد بدیهی است نرخ وام بانکی به تراضی و موافقت روسای بانکها و گذار شده که تا ۴۰ درصد سابقه دارد و همین آزادی و تراضی است که بازار رشوه و چپاول نیازمندان به وام را برای بانکها میسر ساخته است.

بالا بودن بهره که از اعلام ورشکستگی است مورد بحث این تحریر نیست؛ آنچه که تعلق این تحریر را مناسبت داد، رسمیت دادن به بهره (ربا) در جمهوری اسلامی و آثار شرعی آن است که مدعی اسلامی بودن است.

اسلام در آیات متعدد قرآن ربا را حرام کرده است و مجازات های بسیار سخت را محول رباخوار و ربا دهنده ساخته است، از قول پیامبر اسلام آمده است: **<معاملات ربوی همانند آن است که شخص با مادر خود**

در کعبه زنا کند >

پرواضح است که تشبیه مزبور نشانی از نفرت و قبح ریاست و محمد جرم سنگین زنا با مادر آنهم در خانه خدارا هم وزن ربا آورده است والا در حقوق اسلامی و قرآن برای زنا با مادر آنهم در کعبه حکمی پیش بینی نشده است.

جمهوری اسلامی با حمایت و وضع مقررات برای ربا (بهره پول) عملاً مشوق و حامی زنا با ایرانیان با مادر خود شده است.

در فلسفه، قاعده ای است که میگوید انتخاب بین دو چیز هم ارزش با منتخب است. در علم حقوق هم در مواردیکه مجازات، به نقد و یا حبس مقرر شده، گناهکار، مخیر در انتخاب زندان و یا جریمه نقدی شده است.

رسمیت دادن به ربا با توجه به قول پیامبر (سنت) که ربا را برابر زنا با مادر دانسته متضمن این آزادی انتخاب است که مسلمانان ایران قبحی برای زنا با مادر خود قائل نبوده و بهمان سادگی که از ربا مستفیض میشوند از بضع مادر خود هم بهره مند شوند.

به کلامی دیگر از آنجا که جمهوری اسلامی میداند که عمل ربا در حقوق اسلامی بمنزله زنا با مادر خویش است پیشگامی جمهوری اسلامی از آزادی معاملات ربوی بمنزله زدن توی دهان قرآن و محمد و مشروع دانستن زنا با مادر است.

علم جمهوری اسلامی به مجازات ربا دهنده وگیرنده از یکطرف و رسمیت دادن به ربا متضمن این برداشت حقوقی و فلسفی است که زناى با مادر هم قابل مجازات نیست و جواز آنرا جمهوری اسلام برای امت خود صادر کرده است.

یک وقت در یک جامعه اسلامی کسانی به منع ربا اهمیتی نمیدهند و محرمانه به آن عمل میکنند ولی وقتی حکومت جمهوری اسلامی که بر اساس معیارهای قرآن و سنت خود را موظف به رعایت امره های اسلامی میداند خود پیشگام حمایت از ربا میشود، و مقررات بر آن وضع میکند آنوقت قضیه فرق میکند و حکومت میشود طاعی علیه خدا و قرآن و محمد. و عموم مسلمانان علیه چنان حکومتی مسئولیت قیام و ترمذ خواهند داشت چنانکه این مسئولیت را مسلمانان در صدر اسلام نسبت به عثمان دریافت و عمل کردند.

هم امروز خبر رسید که اژه ای علیه زندانیان بند ۳۵۰ که دست به تخریب اموال زندان زده اند وارد عمل خواهد شد. آیا عمل مسئولین بانک ملی و دولت که برخلاف قرآن امر ربا را مباح و حکم به جریان آن داده اند قابل رسیدگی نیست ولی آسیب رساندن به میز و صندوق زندان تعدی به حقوق اسلامی است؟

آیا یک کشور اسلامی که حاکمیت را از آن خدا میداند میتواند مسیری را که از سوی خدا و محمد ممنوع شده است برای مردم کشور هموار سازد؟ مسلماً خیر.

شورای نگهبان

با این آشکاری، تعرض به احکام اسلام جای شورای نگهبان کجاست؟

اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی میگوید «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی شورای نگهبان تشکیل میشود».

بنابراین شورای نگهبان دو تکلیف دارد یکی نگهبانی کلی از احکام اسلامی و دوم نظارت بر تطبیق مصوبات مجلس با قانون اساسی و احکام اسلامی.

درست است که دولت تصمیم بانک مرکزی دائر به جاری و قانونی شناختن بهره را بصورت قانون در نیاورده که نظارت شورای نگهبان را لازم سازد ولی تکلیف عام شورای نگهبان مبنی بر پاسداری از احکام اسلامی ناظر بر جلوگیری از تصمیم بانک ملی در رواج بهره و وضع مقررات بر آن هم هست.

یکی از حقوقدانان جمهوری اسلامی در تفسیر وظایف شورای نگهبان نوشته است: «شورای نگهبان از هر طریقی که آگاه شود جریانی در کشور وجود دارد که برخلاف احکام اسلام است باید وارد شود و آنرا متوقف سازد».

در سال ۱۳۵۸ از اولین اقدامات شورشیان، مخالفت با نظام بانکی حاکم بر کشور بود بهمین جهت قانون جدید نظام بانکی جمهوری اسلامی تهیه و در سال ۶۲ با موافقت شورای نگهبان و مجلس به تصویب رسید و به دولت و بانک مرکزی ابلاغ شد و بدین ترتیب نظام بانکی جمهوری اسلامی، نظام بانکی بدون ربا رسمیت یافت. اکنون چگونه بانک مرکزی جمهوری اسلامی بدون توجه به قانون نظام بانکی کشور که

در سال ۶۲ بتصویت مجلس و شورای نگهبان رسیده دستورالعمل متناقضی را جایگزین ساخته و حتی نظارت و موافقت شورای پول و اعتبار را هم لازم ندانسته است.

موقعیت شرعی جمهوری اسلامی

از سال ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی بجای بهره بانکی و ربا ازواژه های جایزه، مشارکت و مضاربه استفاده میکرد و تلاش داشت که عمل بانکها در قاعده ربا محسوب نشود و در واقع به خدا کلک میزد غافل از اینکه این قبیل کلک ها کارساز نیست و خدا در آیه ای از سوره عمران خودش را بهترین مکرکننده معرفی کرده است.

وقتی مکر جمهوری اسلامی به مکر خدا غالب نشد، جمهوری اسلامی علنا ماهیت خود را نشان داد.

با وضع مقررات جدید برای بهره بانکی عملاً حرام خدا را حلال کرده است و به استناد آیات قرآن جمهوری اسلامی با جریان انداختن ربا عملاً از اسلام خارج و در گروه کفار جای گرفته است.

مهدور الدم

مهدور الدم در حقوق اسلامی به کسی گفته میشود که خونش هدر است و کشتن او قصاص ندارد مهدور الدم دودسته اند یک دسته نسبی و دسته دیگر مطلق است. مطلق که مورد استفاده این تحریر است به شخصی گفته میشود که در برابر تمام مسلمانان مهدور الدم است.

در حقوق جزای جمهوری اسلامی ماده ۲۲۶ و تبصره ذیل ماده ۲۹۵ تقسیم بندی مهدور الدم را به نسبی و مطلق رعایت کرده و میگوید کسی که مستحق کشتن است، کسی که او را بکشد قصاص ندارد بلکه دیه هم از آن شخص ساقط است. تبصره ذیل ماده ۲۹۵ این حق را به کلیه افراد داده که بصرف اعتقاد به وجود مهدور الدم بودن شخص، مرتکب قتل شود و از مجازات قصاص بگریزد (یکی از مواد مورد اعتراض به قانون قصاص جمهوری اسلامی همین تبصره است که به امر قضا عمومیت داده است).

سران جمهوری اسلامی و مهدور الدم بودن

به اثبات رسید که قبول ربا (بهره پول) و وضع مقررات آن، حلال کردن حرام خداوند و از مراتب کفر است و همه آگاهند که کفر هم با وجود شرائطی، ورود به ارتداد و ملازم با قتل مرتد است.

یکی از شرائط تبدیل کفر به ارتداد علم و آگاهی کامل شخص از تکالیف اسلامی و قصد و اراده کامل در انجام عملی است که کفر محسوب است.

در تطبیق مورد بهیچوجه قابل قبول نیست که تصور شود جمهوری اسلامی، شورای نگهبان، بانک مرکزی و کسانی که بهر طریق در حلال کردن ربا مداخله داشته اند از آثار شرعی حلال کردن ربا آگاه نبوده اند و یا بدون قصد و اراده، نظام بانکی جمهوری اسلامی را برپایه ربا و بهره استوار کرده اند.

از طرفی مسئولین جمهوری اسلامی مرتکب یک عمل کفرانه ای که آثار آن متوجه خود آنها باشد نشده اند مثلاً شرب خمر نکرده اند بلکه دستوری داده اند که نظام اسلامی را علیه آمره های قرآن مجهز ساخته و حدود ۷۳ میلیون انسان رابه راه کفر همراهی میکند آنها را نظامی که مدعی است هر شب سیدعلی با امام مهدی ملاقات میکند و دستورالعمل میگیرد که معنای آن این است که حکم ربا با موافقت امام غائب صادر شده است و باین دروغ و مکر، مردم رابه راه کفر گله ساخته اند درست کاری که شیطان برای گمراهی مردم میکند.

چنین موقعیتی که جمهوری اسلامی برای خود بوجود آورده عملاً در موقعیت مهدورالدمی مطلق قرار گرفته یعنی شرعاً هر ایرانی مسلمان معتقد به قرآن این حق و تکلیف را دارد که زمامداران جمهوری اسلامی را مرتد دانسته و به تکلیف شرعی خود عمل کند، چنانکه مسلمانان صدر اسلامی نسبت به خلیفه سوم عمل کردند (مستند ماده ۲۲۶ و تبصره ذیل ماده ۲۹۵ قانون جزای جمهوری اسلامی و تاریخ اسلام).